

فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

تحلیل برساختگراییانه جرایم علیه اراضی دولت

مهدی ربیع، عباس شیخ الاسلامی*، مجید فولادیان^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹

چکیده

ترسیم مفهوم «جرم» نقطه آغاز مسیر اندیشه کیفری است. در واقع، تصویری که از جرم ارائه میشود، سایر مفاهیم بنیادین جرم‌شناختی (نظیر مجرم و علت شناسی) و نظام سیاست کیفری (نظیر عدالت، جرم‌انگاری و پیشگیری) را صورت بندی میکند. بر مبنای نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی، می‌توان جرم را یک پدیده اجتماعی دانست که بیرون از فکر و ذهن انسانها و دارای یک وجود عینی مستقل نیست. بنا بر این آن چیزی که جرم تلقی می‌شود، بسته به اینکه چه کسی آنرا توصیف کرده، متفاوت خواهد بود؛ لذا، در روابط بین افراد، با برساخت یک واقعیت اجتماعی از جرم روبرو می‌باشیم.

این مقاله با اتخاذ حالتی میان رو از نگاه برساخت‌گرایی اجتماعی به مفهوم جرم و استفاده از نظریه «واقعیت اجتماعی جرم» که معتقد است که تعریف افعال مجرمانه و اعمال قوانین کیفری و برساخت ادراک کیفری و توسعه الگوهای رفتاری متناسب با آن، محصول کنش سهامدارانی است که با تاثیر بر فرایند جرم‌انگاری سعی می‌کنند تا منافع شخصی و گروهی خود را تضمین نمایند، واقعیت جرم‌انگاری در حوزه اراضی ملی و دولتی در ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. مطالعه گفتمان رسمی کنشگران سیاست جنایی با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی نشان داده که حداقل در حوزه ی جرم‌انگاری در زمینه اراضی در نظام عدالت کیفری ایران، نظریه برساخت‌گرایی به نحوی آشکار بر جرم‌انگاری و ذهنیت فعالین این جریان حاکم است.

کلید واژگان: واقعیت اجتماعی جرم، برساخت‌گرایی، کنشگران فرایند جرم‌انگاری، تعریف رفتارهای مجرمانه

^۱ دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد - پردیس گلپهار، مشهد، ایران.

^۲ دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

dr.sheikholeslami@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه

در آغاز هزاره دوم وضعیت عرصه های منابع طبیعی به عنوان شاخصی از توسعه کشورها محسوب می گردد و در نتیجه حفاظت و احیای آن مبنایی برای گسترش شرایط توسعه است. امروزه موضوع حفاظت از منابع طبیعی به موضوعی حیاتی تبدیل شده و غفلت از آن خسارات جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. تحقق این امر مستلزم نگاهی نو به قوانین است. این امر در حالی است که توسعه یافتگی و افزایش جمعیت موجب افزایش روزافزون تصرف تخریب منابع طبیعی شده و از طرف دیگر محدودیتهای زیست محیطی، لزوم حفظ منابع طبیعی را بیشتر نموده است.

قوانین و مقررات ملی شدن جنگلها و مراتع نیز از این امر مستثنی نیست. بنابراین قوانین نیز هر از گاهی متناسب با زمان، نیازمند بازبینی، اصلاح و به روز شدن هستند و این موضوع کاملاً طبیعی است. در تحقیق حاضر که توصیفی و به روش جمع آوری اطلاعات، اسنادی - کتابخانه ای میباشد، ضمن سیر تاریخی قوانین مالکیت اراضی ملی مورد مطالعه و بررسی قرار میگیرد (حمیدرضا گلوی - امیرکیوان درویش، ۱۳۷۲:ص ۵۲) و لذا تدوین و اجرای قوانین مناسب سبب حفظ و پایداری جنگلها و مراتع میشود (محمدتقی عموزاده مهدیرجی - پژمان رودگر می، ۱۳۷۲:ص 23-92).

یکی از معضلات جدی حقوقی، اجتماعی و اقتصادی کشور پدیده موسوم به زمین خواری است. پدیده مذکور باعث شده تا اراضی جنگلی، مراتع، بیشه زمین طبیعی، اراضی موات و منابع طبیعی در معرض نابودی قرار گیرد و باعث شود تا این پدیده به عنوان یک معضل زیست محیطی نیز مطرح شود. زمین خواری میتواند عوامل متعدد حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته باشد. بنابراین هرگونه اقدام برای مقابله با این معضل، مستلزم بهره گیری از اطلاعات و رویکردهای حوزه مذکور است در این میان شناخت حوزه حقوقی و خصوصاً حقوق کیفری این پدیده بسیار حائز اهمیت هم از جنبه نحوه برخورد (جنبه واکنشی) و هم از منظر پیشگیری (جنبه کنشی) باشد. از لحاظ حقوق کیفری، پدیده زمین خواری به دلیل آثار سویی که می تواند بر از جامعه بگذارد، امروزه با جرم قاچاق که یکی از مفاسد بزرگ اقتصادی کشور محسوب شده همتراز است و همانند جرم مذکور، زمین خواران ثروتی را تصاحب می کنند که هیچگاه آن را تولید نکرده و هیچ نقشی در بوجود آوردن آن نداشت اند. افراد زمین خوار برای نیل به اهداف خویش از روش های متعدد و متنوعی استفاده می کنند که عمده اینها به لحاظ فقدان عنوان مجرمانه در قانون و متأسفانه در برخی موارد با اجازه ای که خود قانون داده است قابل تعقیب و مجازات نیست. علی رغم اینکه در گفتمان مسئولان دستگاه قضایی استفاده فراوانی از واژه زمین خواری می شود و حتی در کنار واژه مذکور، واژه هایی چون کوه خواری و دریاخواری نیز مصطلح شده است، لیکن تاکنون تعریف حقوقی دقیقی از واژه مذکور ارائه نگردیده و حدود و ثغور آن مشخص نشده است. مهمتر اینکه از لحاظ حقوق کیفری به طور دقیق معین نگردیده که پدیده زمین خواری در قوانین موضوعه فعلی کشور ما با چه عناوین مجرمانه ای قابل تطبیق و مجازات است.

بدیهی است که تعیین چنین موضوعی مستلزم این است که بدو دقیقاً مشخص شود که پدیده فوق شامل چه نوع زمین هایی می گردد تا بر اساس آن بتوان در قوانین مجازات اسلامی و سایر مقررات مربوطه، عناوین مجرمانه پیش شده را با پدیده مذکور تطبیق داد.

در این تحقیق سعی شده با هدف واکاوی مفهومی جرائم علیه اراضی ملی و دولتی و با بررسی و کنکاش در کلیه قوانین مرتبط با موضوع اراضی و خصوصاً اراضی دولت از دیدگاه جرم‌شناسان تعارض و نظریه پردازان ساخت‌نگر به بررسی مفاهیم جرایم علیه اراضی دولتی و ملی پرداخته شود تا علل و عوامل ناکارآمدی وضع موجود و راه‌های مختلف پیشگیری از تخریب و تصرف اراضی دولتی و ارائه راه کارهای موثر سازی و بهینه نمودن قوانین مرتبط با این اراضی شود. این تحقیق بدنبال پاسخ به این سوال است که علت شناسی جرایم علیه اراضی دولتی و ملی از منظر برساخت‌گرایی چگونه است؟ بدیهی است با احصاء روش‌های رایجی که زمین‌خواران با استفاده از آنها به چنین عملی دست می‌زنند و همچنین تطبیق روش‌های مورد استفاده با عناوین مجرمانه موجود در قوانین جاری کشور، مواردی از روش‌های بکار رفته توسط زمین‌خواران که دارای ضمانت اجرای کیفری نبوده و دارای خلأ‌های قانونی می‌باشد، به خوبی قابل تشخیص و مستلزم اصلاح خواهد شد که در ادامه پیشنهادهایی در این زمینه ارائه خواهد شد. (حسین میرمحمد صادق - اسلام رجبعلی، ۱۳۹۶، ص ۲۲)

برای انجام پژوهش ابتدا با کمک موتورهای جستجوگر اینترنتی، پایگاه‌های اطلاعاتی، کتابخانه‌ها و ... به جمع‌آوری ادبیات تحقیق در خصوص جرائم علیه اراضی ملی و دولتی و تحلیل برساخت‌گرایانه پرداخته خواهد شد. سپس با استفاده از انواع روش تحقیق کیفی به تحلیل محتوای اسناد، قوانین و رویه‌های قضایی، رویه‌های اجرایی، پرونده‌های مرتبط در این حوزه پرداخته خواهد شد. از دیگر روش‌های کیفی مورد استفاده در این پژوهش مصاحبه با نخبگان، قضات، وکلا و کارشناسان مربوط به این امر خواهد بود. از آنجایی که بسیار از مباحث مرتبط با پژوهش در حوزه بحث‌های مبانی - مفهومی - فلسفی است نتایج تحقیق با استفاده از روش‌های استنتاجی - استقرایی و باید شناسی - هنجارگذاری خواهد بود.

۱- مفهوم شناسی واژگان تحقیق

۱-۱- مفهوم برساخت‌گرایی و جایگاه آن در این بحث

پس از نظریه‌های اثبات‌گرایی (Positivism) در علوم اجتماعی و عینیت‌گرایی (Objectivism) در معرفت‌شناسی، نظریات جدیدی ارائه شد. نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی (Social Construction) که با بسیاری از رشته‌ها مانند تاریخ و فلسفه علم، نظریه ادبی (literary theory)، مطالعات زنان (women's studies)، روانشناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه روایی (Narrative philosophy)، روان‌درمانی (psychotherapy) و نیز جرم‌شناسی در تعامل است (p28·Henry, S, 2009) به عنوان یک نظریه مهم جامعه‌شناختی در مورد شناخت، ریشه در دو جریان فکری جامعه‌شناسی معرفت و جامعه‌شناسی علم دارد. جامعه‌شناسی معرفت در مفهوم عام شاخه‌ای از جامعه‌شناسی که رابطه بین جامعه و افکار را مطالعه می‌نماید و ردپای برساخت‌گرایی را می‌توان در معرفت‌شناسی و سازه‌انگاری معرفتی (Constructivist Epistemology) مشاهده کرد. جامعه‌شناسی علم نیز رابطه درون علم‌آرا به مثابه یک نهاد اجتماعی تحلیل می‌کند (محمد توکل، ۱۳۸۴، ص ۵۱) ریشه برساخت‌گرایی در علوم اجتماعی به کتاب (ساخت اجتماعی واقعیت) اثر پیتر برگر^۵ و توماس لاکمن^۶ باز می‌گردد که در سال 1967 منتشر شده است. تمرکز این نظریه

۴ اینجا علم به معنای Science است

۵ . peter Berger

۶ .Thomas Luckmann

در تقابل با ذاتگرایی^۷ که ساختار واقعیت را جدا از ذهن انسان در نظر میگیرد، تمرکزش بر واقعیت، معرفت و یادگیری است (نویسندگان یوسفیان، میرسعید موسوی کریمی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰-۱۳۲).

مبنای اصلی برساختگرایی اجتماعی، تأکید بر وابستگی مفاهیم اجتماعی به رفتارهای ممکن انسانها در سطح اجتماع است و برخی پدیده های اجتماعی را ساخته ذهن افراد و گروه ها می داند. پدیده هایی که در عالم خارج هیچ وجود عینی و مادی ندارند و به خواست پدیدآورندگان آنها ایجاد شده اند و به عبارتی دارای برساخت اجتماعی شده اند.

بر این اساس، اعتقاد به اینکه برخی (چیزها) از نظر اجتماعی برساخته است، به این معناست که اگر انسان آن را در ذهن خود ایجاد نکند یا اساساً نیازی هم به ساختن آن نداشته باشد، آن (چیز) نمیتواند وجود داشته باشد و دارای برساخت اجتماعی شود.

مطالعه نظریات برساختگرایان نشان میدهد این نظریه نه تنها راجع به موضوعات این جهان مادی از جمله چیزها، گونه ها و حقایق، بلکه به باورها و اعتقادات نیز تسری می یابد. البته چگونگی تعریف واقعیت های اجتماعی و به ویژه کسانی که آن تعریف را ارائه میدهند، در شکل گیری مسئله و تبدیل یک موضوع به مسئله نقش مهمی دارد که در بخشهای بعدی و به هنگام تبیین نظریه واقعیت اجتماعی جرم، به آن پرداخته میشود.

نظریه برساختگرایی اجتماعی به اعتبار میزان پایداری به وجود واقعتهایی خارج از ذهن بشر به سه جریان رادیکال، مبتنی بر متن^۸ و پستمدرن^۹، تقسیم میشود (Henry, S, 2009) که در اینجا موقعیت میانه و حد وسط از نظریه مزبور اتخاذ شده است؛ زیرا نمیتوان همه چیز را دارای یک برساخت اجتماعی دانست. از این منظر، جرم برساخته ای است که در فرایند شکل گیری آن برخی نیروها و گروهها با توسل به ابزارها، مؤلفه ها، شواهد و موقعیتهایی، پارهای مسائل و رفتارها را به گونهای تعریف میکنند که برداشت و ذهنیت ما از آنها در قالب مفهوم (جرم) شکل بگیرد.

۱-۲- توصیف مفهوم جرم از منظر برساختگرایی

در نگاه اول واقعیات زندگی به منزله واقعیات منظم و مسلم فرض شده که پدیده های آن مستقل از ادراک ما و از الگویی منظم تشکیل شده و خود را به ادراک جامعه تحمیل نموده و تنها توسط انسان تفسیر پذیر است. بدین دلیل به منزله امری عینیت یافته جلوگر می شود که از سلسله موضوعاتی تشکیل شده که قبل از ظهور انسانها در جامعه، در سطح زندگی به عنوان اعیانی خارجی معرفی و در نهایت بواسطه زبانی که در زندگی عادی انسان مورد استفاده قرار داشته، ما را با جلوه های عینیت یافته آشنا می کند و در برابر ما نظمی قرار

⁷ . Essentialism

⁸ .Worldly Items

⁹ .Things, Kinds and Facts

¹ .Beliefs

0

^{۱۱} . برای مطالعه بیشتر در این باره نگاه کنید به:

Hacking, Ian, The social construction of what? Harvard university press, 2000

¹ . Radical, Extreme, Strict or Strong

¹ . Contextual

3

^{۱۲} . برای مطالعه بیشتر در این باره نگاه کنید به:

Berger Peter & Thomas Luckmann. The social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge. New York: Penguin Books, 1976

¹ . Post Modernism

5

می دهد که این جلوه های عینی در قالب آن قابل فهم و درک شده و زندگی روزمره در قالب آن برای افراد جامعه دارای معنا گردد (پتر برگر، لوکمان، ۱۳۹۴، ص ۳۶ و ۳۷).

این نوع نگرش به حقیقت پیرامون در حالست که شاید به تمام عینیتها و وقایع جهان نتوان جدا از فعالیت های اجتماعی افراد ماهیتی مستقل تخصیص داد؛ چرا که وجود برخی از پدیده های اجتماعی بطور کامل به تصمیم ما برای بودن آنها به عنوان عیون اجتماعی و خارجی وابسته است.

از این منظر جرایم علیه اراضی ملی و دولتی به عنوان پدیده ای اجتماعی، تماما وابسته به رفتار و تعاریف ما از نوع و ماهیت اراضی و تعریف افعال قانونی یا غیر قانونی متصور در خصوص آنها می باشد. این رویکرد به ساختارهای عینیت یافته دنیای اجتماعی و از جمله ماهیت اراضی و افعال قانونی یا غیر قانونی علیه این اراضی همان چیزست که از آن با عنوان برساخت اجتماعی یاد میشود.

توماس لوکمان بیشتر توجه خویش را معطوف ابعاد ذهنی پدیده ها نموده و معمولا به دنبال این نیست که بگوید پدیده ها در واقعیت و عینیت چگونه هستند؛ زیرا بیشتر رویکردهای برساختگرایی، اعتقادی به عینیت واقعیات نداشته؛ بلکه معتقد است آنچه به عنوان واقعیت یاد شده، امری از پیش معین شده نیست بلکه برخی واقعیات اجتماعی، ساخته ذهن افراد و گروه های اجتماعی است. از اینرو برساختگرایان دنبال آنند که هر پدیده توسط ذهن سوژه^{۱۷} تعریف و احساس شود. از این نگاه، برداشت ما از اینکه چه چیز یک واقعیت اجتماعی بوده و چه چیزی نبوده و عبارت دیگر چگونه افعالی را می تواند بر اساس قوانین متنوع موجود در قبال اراضی ملی و دولتی جرم تصور کرد یک برساخت اجتماعی است و به این دلیل، فرایند تعریف شرایط ظاهرا مسئله دار اجتماعی یا اقامه دعوی بعنوان یک واقعیت، از اهمیت کلیدی برخوردار است (Spector, Malcolm. & John. Kitsuse., 1987).

بدینسان، میتوان جرایم علیه اراضی ملی و دولتی را از منظر برساختگرایی اجتماعی مفهومی که وجود یا عدم آن بعنوان یک واقعیت ذاتی قابل تصور نخواهد بود؛ چرا که اساسا واقعیات بر اساس نوع نگاه انسانها و از طریق کاربرد زبان در طول زندگی روزانه ساخته شده و به این علت، برای تحلیل این نوع از جرایم، مهمترین مقوله، تعریف ما از آنهاست. از این رو، نظریه برساختگرایی با قرائت هایی از واقعیات و حقایق و سپس تبدیل آن به صور قدسی، نقد ایدئولوژیک، عینی، ایزکتیو^{۱۸} پذیر (البته نه در خصوص تمام واقعیتهای)، مخالف است.

۲- جرایم علیه اراضی ملی و دولتی برساختی ماهرانه و قدرتمند از واقعیت اجتماعی

جرم انگاری علیه اراضی ملی و دولتی فرایندی پویا و رو به جلو است که در مقاطع مختلف آن، کنشگرانی عدیده با هدف نمایندگی منافع عامه ایفای نقش می نمایند و در طول این مسیر هر کنشگر تلاش می کند تا افعال مجرمانه را مطابق با اهداف، دیدگاهها، ارزشها و بطور کلی گفتمانی که وی متعلق بدان است، تعریف نماید. از این منظر، می توان جرم زمینخواری را یک برساخته اجتماعی دانست؛ چرا که آنچه جرم تلقی میشود، متفاوت است و به این بستگی دارد که چه شخص یا سازمانی انرا توصیف نماید. این رویکرد ذهنی به جرایم علیه اراضی دولت از یک طرف در مقابل رویکرد علمی یا کلاسیک به مفهوم جرم قرار گرفته که با نگاهی بر پایه اندیشه روشنگری یا

^۱ . Thomas Luckmann 6

^۱ . Subject 7

^۱ . Objective 8

فلسفی، بدون توجه به علل پیدایش و بدون مشخص نمودن جایگاه اجتماعی آن جرم، تنها به یک نظام عقلانی تنبیه و کنترل و و برقراری نظم، اندیشیده و بر قطعیت مجازات و همچنین اختیار و آزادی و عقلانیت انسان تأکید مینماید (سهیلا صادقی فسایی، ستار پروین، 1390 ص ۲۰۸) و از دیگر سو، رویکرد مسلط جرم‌شناسی یعنی رویکرد اثباتی یا همان رویکرد عینی نگر یا عینیت گرا به این گونه جرایم که انرا اموری مسلم، کمی و عینی و به مثابه شرایطی مضر، ملال آور و مسئله دار در جامعه تلقی نموده ما با رویکردی که با نگاه تعینی، جزئی و جزمگرایانه که بجای تأکید بر موضوعات حقوقی، بر رفتار مجرمانه تأکید دارد مواجهیم. درحالیکه در رویکرد برساختگرایانه که به مقوله انتقادی و نظریه تعارض تعلق دارد، توصیف این اعمال به عنوان جرم و شناخت عوامل مؤثر بر آن، برخلاف آن چیزی که در پارادایمهای پیش از این (کلاسیک و اثباتی)^{۱۹} مورد توجه بود و فارغ از منافع و ارزشها صورت می پذیرد: زیرا در این رویکرد، جرایم و از جمله جرم زمین خواری واقعیت عینی تعریف شده و عنصر قدرت آن را علیه افراد حاشیه ای و ضعیف بکار میبرد. در یک تقسیم بندی تاریخی، می توان نظریه های جرم‌شناسی را به ترتیب به کلاسیک، اثباتی و انتقادی تقسیم کرد. نگاه علمی به جرم با رویکرد کلاسیک در قرن ۱۸ میلادی شروع و در قرن ۱۹ از سوی نظریه مدرن جرم‌شناسی یا اثبات گرایی به چالش کشیده شد و در نهایت پس از طرح نظریات و الگوهای فکری کلاسیک و اثباتی، این الگوها به دلیل نگاه تک بعدی و به ویژه نزدیک به علوم طبیعی، در دهه ۵۰ از سوی نظریات انتقادی با نقد اساسی مواجه شدند. نظریه ای که بر سه عنصر قدرت و گفتمان و ذهنیت تأکید می کند (صادقی فسایی، پروین، 1390، ص 218). به همین علت با وجود شرایط بزهکارانه بالقوه زیاد در حوزه اراضی ملی و دولتی که امنیت و سلامت و انسجام اجتماعی و اقتصادی را تهدید می نماید، فقط شمار اندکی از آنها توجه کنشگران را به خود جلب نموده و به عنوان جرم تعریف شده است (Joel, 1995, Best, 337-357). از این رو، جرم زمین خواری واقعیتی عینی نیست، بلکه برساختی در ذهن انسان است و محصول تعاریف اجتماعی است و یک واقعیت اجتماعی نیز خواهد داشت. در نتیجه، این نه ویژگیهای عینی حالات و شرایط ظاهرا آسیب زا، بلکه واکنشهای ذهنی به این شرایط است که یک رفتار را به جرم یا مسئله اجتماعی یا جرم بدل مینماید.

۲-۱- تبیین گزاره های ششگانه جرم‌انگاری

این نظریه فرایند جرم‌انگاری را در شش گزاره توصیف و تحلیل میکند. با گزاره نخست مشخص میسازد اساساً کنشگران فرایند جرم‌انگاری چه کسانی بوده و از چه ویژگیهایی برخوردارند. به موجب گزاره دوم و سوم چگونگی تعریف و فرمولبندی رفتارهای مجرمانه و اعمال آن را مطرح میسازد. در گزاره چهارم چگونگی توسعه الگوهای رفتاری در ارتباط با رفتارهای مجرمانه را تبیین میکند. در نهایت، در گزاره پنجم، به برساخت تصورات و ادراکات کیفی و در گزاره ششم هم به واقعیت اجتماعی جرم میرسد.

همانطور که در مقدمه بیان شد این نوشتار در مقام پاسخ به این سؤال اساسی است که منافع و دغدغه های عمومی، چه جایگاهی در فرایند جرم‌انگاری علیه اراضی ملی و دولتی در نظام عدالت کیفری ایران داشته و از نظریه واقعیت اجتماعی جرم که خود مبتنی بر سنت برساختگرایی است، استفاده می شود؛ زیرا به نظر میرسد پارادایم عینی‌نگر یا عینیت‌گرا قادر به توجیه چرایی و چگونگی جرم‌انگاری برخی رفتارهای شهروندان نمی باشد و تجربیات آنها در برخورد با نظام عدالت کیفری ایران در برخی فرایندهای جرم‌انگاری، سازگاری بیشتری

^{۱۹}. در یک تقسیم بندی تاریخی، میتوان نظریه های جرم‌شناسی را به ترتیب به کلاسیک، اثباتی و انتقادی تقسیم کرد. نگاه علمی به جرم با رویکرد کلاسیک در قرن ۱۸ میلادی شروع شد. این مکتب در قرن ۱۹ از سوی مکتب اثبات گرایی یا نظریه های مدرن جرم‌شناسی به چالش کشیده شد. سرانجام پس از طرح پارادایمهای فکری کلاسیک و اثباتی، این پارادایمها به دلیل نگاه تک بعدی و به ویژه نزدیک به علوم طبیعی اثباتگرایان، در دهه ۱۹۵۰ از سوی پارادایم انتقادی با نقد اساسی مواجه شد. پارادایمی که بر سه عنصر ذهنیت، قدرت و گفتمان تأکید دارد (صادقی فسایی و پروین، 1390، 218)

بارویکرد ذهنی‌نگر به جرائم، رفتارهای بزهکارانه و مسائل اجتماعی داشته است. رویکردی که با ریشه انتقادی خود، بهتر میتواند چیرگی و تسلط منافع کنشگران رسمی (قوای مقننه، مجریه و قضاییه) و غیررسمی (گروههای دارای نفوذ، احزاب سیاسی و نخبگان اجتماعی) فرایند مزبور را بر منافع مهمترین کنشگر این فرایند، یعنی شهروند تبیین کند.

مطالعات اولیه هم این فرضیه را تقویت میکند که ردپای آموزه‌های نظریه واقعیت اجتماعی جرم و چیرگی منافع برخی کنشگران در برخی فرایندهای جرم‌انگاری علیه اراضی ملی و دولتی در ایران تا حدودی وجود دارد. نظریه ای که با ماهیت برساخت‌گرایانه خود، جرم‌انگاری رفتار شهروندان را اقدامی در جهت تأمین منافع کنشگرانی میداند که لزوماً در پی تأمین نفع عامه نیستند. پیامی که در عین حال، چرایی بررسی فرایند جرم‌انگاری علیه اراضی ملی و دولتی در ایران را بر اساس نظریه واقعیت اجتماعی جرم، توجیه مینماید.

بدین ترتیب اساساً جرم نمونه‌ای از یک برساخت اجتماعی است. یعنی آن که جرم نه یک واقعیت ملموس و عینی بلکه برساخت ذهنیت انسان می‌باشد. لذا، روایات برساخت‌گرایانه از نحوه برساخت واقعیت‌های اجتماعی هم زمان با ارائه تعاریف متعارض از یک واقعیت در سطح اجتماع و تعامل اجتماعی و توافقات محرمانه میان برخی گروهها و روابط قدرت و تعارض منافع و برساخت ماهرانه و قدرتمند با استفاده از زبان و در قالب گفتمانها از واقعیات اجتماعی، موضوعیست که در برساخت رفتار مجرمانه و جرم‌انگاری در زمینه جرایم علیه اراضی ملی و دولتی تأثیر گذار است. عنوان این مقاله سه پیام به خواننده ارائه می‌نماید: ۱. جرایم علیه اراضی ملی و دولتی یک برساخت اجتماعی است؛ ۲. جرایم علیه اراضی ملی و دولتی یک برساخته گفتمانی است؛ ۳. جرایم علیه اراضی ملی و دولتی برساخته گفتمان قدرتمند است. لذا نقش زبان در جرایم حوزه اراضی دولت به عنوان یک برساختی اجتماعی طرح شد تا مشخص شود چگونه کاربرد متنوع زبان در زمینه‌های مختلف و در قالب گفتمانهای مختلف، به برساختهای گوناگونی از این نوع جرایم به عنوان یک واقعیت منجر شده است.

پس از بررسی این مهم که نقش آفرینی گفتمانهای مختلف در فرایند قانونگذاری کیفری چگونه به برساخت‌های مختلف از قانونی مانند قانون ملی شدن جنگلها و مراتع کشور منجر شده ابتدا تعارض میان کنشگران در قالب تعارض گفتمان در مراحل مختلف تصویب قانون شناسایی شده تا مشخص گردد چگونه میتوان از یک پدیده مانند اراضی در قالب گفتمانهای مختلف، مفاهیم متعددی را ایجاد و به اصلاح برساخته نمود.

سپس با توجه به شکل نهایی این قوانین، این موضوع مطرح شده که کدامین گفتمان و با توسل به چه سازوکارها و ابزارها، تعیین کننده نحوه حل تعارض بوده و با قدرت اقناع کننده خویش توانسته تا تعریف خود از واقعیت را به دیگران تحمیل نماید. انتظار می‌رود در این مرحله بتوان مشخص کرد روش اتخاذ شده برای حل تعارض تا چه اندازه در راستای نفع اجتماع مثبت ارزیابی میشود. لاکن لازم است قبل از ورود به بحث فوق، پیرامون رابطه برساخت‌گرایی اجتماعی با نسیت‌گرایی معرفت‌شناختی توضیحی ارائه گردد چرا که نسیت‌گرایی یکی از مهمترین نقدهای وارد بر برساخت‌گرایی است در حالیکه برساخت‌گرایی نظریه‌ای مبتنی بر الگوی انتقادیست و لزوماً به نسیت‌گرایی معرفت‌شناختی نمی‌انجامد هرچند ریشه در جامعه‌شناسی معرفت دارد.

برای اثبات این ادعا، از سنت عقلگرایانه انتقادی کارل پوپر^۱ و طرح او با عنوان «تقرب به حقیقت» استفاده می‌نمایم. وی اعتقاد دارد هر چند قرائتهایی همانند برساختگرایی اجتماعی، حقیقت را توافقی با واقعیت چیزی که اظهار شده، تعریف کرده و بتبع، اعتقاد به ذات را مانعی خطرناک در مسیر رشد معرفت و اندیشه بشری میدانند که از طرح مسائل تازه و سودمند جلوگیری میکند (حاجی زاده، جلال، ۱۳۶۸، ص ۱۳۰) و بنیاد تمامی معارف بشری را حدسیاتی میدانند که قابل آزمون و در نتیجه خطا پذیر است و از این رو، اعتقاد به غیر یقینی بودن تمام معرفتها و عدم قطعیت جهان صادق است، ولی منتفی بودن معرفت یقینی و تمایز بین یقین مطلق و حقیقت، گرچه به معنای اثبات ناپذیری صدق بوده، اما از دیدگاه پوپر، هرگز به معنای فقدان صدق و تسلیم به نسبی گرایی نخواهد بود چرا که برخلاف نسبی گرایی، حقیقت موجود است، لکن آشکار نیست فلذا رسیدن به آن نیز به آسانی میسر نخواهد بود و برای رسیدن به حقیقت باید از مسیر «عقلگرایی انتقادی» طی طریق نمود. بدین منظور پوپر مفهوم وصول حقیقت را هدف علم می‌داند. هر چند شناخت، ملاکی برای رسیدن به حقیقت مطلق نیست و امکان تحقق دانش مطلق نه تنها بر اساس پیش فرضهای برساختگرایی که به طور کل در هر تحقیق علمی و با هر مبنای نظری ممکن نخواهد بود، ولی وصف افزایش و رشد تقرب به حقیقت همواره ممکن است.

لذا، عقلانیت یک نظریه، ریشه در این واقعیت دارد که ما به این علت انرا پذیرفتیم که از آنچه سابق بر آن بود، بهترست. به عبارت دیگر آزمونهای سختی را از سر گذارنده و این به معنی نزدیکتر شدن به حقیقت است. در نتیجه، تمام شناختها، بصورت عام و کلی نه نسبی هستند و نه مطلق بلکه بهترین شناخت، نزدیکترین به حقیقت خواهد بود. بدیهی است این نگرش که مبنای برساختگرایی اجتماعی است که صدق و معرفت را بر حسب فرهنگ و جامعه و دوره تاریخی و مکان و چارچوب یا طرح مفهومی، اعتقاد و تربیت شخصی امری نسبی میدانند، در تعارض است (میرمجیدی، جلال، ۱۳۹۶، ص ۱-۱۵۵)

بدیهی است سازمانها و گروهها و افراد و عوامل و کنشگران متنوعی در فرایند برساختگرایی و فعالیت شناسایی و تعریف مشکل و تعیین مصادیقش به عنوان یک جرم نقش آفرینی می‌نمایند. از کنشگران رسمی مانند اعضای دولت و نمایندگان مجلس و کارمندان قضایی تا احزاب و رسانه ها، مراجع دینی، سازمانهای مردمی، نخبگان، فعالان حقوق بشر و گروههای دارای نفوذ در این فرایند موثر هستند و این مسلم است که هر یک از آنها ارائه ی ویژه ی خود از واقعیت جرایم علیه اراضی ملی و دولتی را خواهد داشت که طبیعتا متفاوت با دیگران است و به همین دلیل این جرایم یک برساخت اجتماعی است؛ زیرا چستی آنها بستگی دارد به اینکه چه کسی ان را تعریف نماید و در چنین شرایطی تعارض میان کنشگران این حوزه و به تبع تعارض میان گفتمانها اجتناب ناپذیر خواهد نمود؛ چرا که هر یک از این کنشگران تلاش می‌کنند تا این جرم و مصادیق انرا مطابق با مطالبات و دغدغه ها و در واقع گفتمان مد نظر خویش بر ساخت نمایند و این در حالیست که هر یک از آنها از ابزار و ظرفیتهای خاصی برای تثبیت نظام معنایی مد نظر خود برخوردارند. لذا در این بین هر گفتمانی که از جایگاه بالاتر توان بیشتری در برساخت اجتماعی جرایم علیه اراضی ملی و دولتی برخوردار باشد، بی شک در جلب توجه و اقناع مخاطبان موفقتر عمل خواهد کرد. لذا، قدرت تعریف آن در برابر هر آنچه آن را نفی نماید بیش از هر چیز دیگر تعیین کننده است و در واقع مفهوم قدرت در نظریه گفتمان اشاره به همین مطلب داشته که در تعارضات اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک، گفتمانی پیروز میدان است که قدرت بیشتری برای تثبیت هژمونی خود دارد. قدرتی که برخاسته از میزان توانایی ان گفتمان در برجسته کردن نظام

2 . Karl Popper

معنایی مختص خود و به حاشیه راندن نظام معنایی رقیب است (محمد تقی مقدمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵). لذا از دید برساختگرایی، جرایم علیه اراضی ملی و دولتی رفتار کسانی است که تهدیدی برای منافع صاحبان قدرت در حوزه این اراضی محسوب گردد؛ چرا که معتقد است این کنشگران در قدرت هستند که توانایی دارند تا رفتار دیگران را، بسته به اینکه ان رفتار تهدیدی برای منافع آنان بوده یا نه، جرم انگاری کنند. در نتیجه گروههای فاقد قدرت عموماً بزهدیده قوانین ظالمانه موجود شده و جرم در این رویکرد، رفتار است که از سوی عاملان قدرت در یک جامعه از منظر سیاسی سازمان یافته، خلق شده و افعالی را توصیف مینماید که تنها با منافع بخشی از آن جامعه که قدرت شکل دادن به سیاست عمومی را دارد، در تضاد است (Quinney, Richard, 2008' p105) همانگونه که کانراد و اشنایدر جرایم را بمنزله برساخته‌ی اجتماعی قدرتمند و ماهرانه از واقعیت توصیف میکنند: اینکه مجرم در یک جامعه محصول یک فرایند سیاسی تصمیم‌گیری است باید مورد توجه قرار گیرد. رفتارها یا فعالیتهایی که در یک جامعه مفروض، جرم شمرده شود، ماهیت بدیهی و خودپیدایی ندارند، بلکه توسط گروهی که از توانایی لازم برای قبولاندن و مشروع جلوه دادن تعاریف خود در جامعه برخوردارند، برساخته و تعریف می‌گردد (ابوعلی ودادهیر، فهیمه (بیبا) حسین نژاد، 1387، ص ۶۷). این نگاه به جرم انگاری در حوزه اراضی ملی، علاوه بر آنکه ساخت نگر بودن اینها را نشان داده، حکایت از آن دارد که جرم برساخته روابط قدرت نیز هست و لذا به روشنی می‌توان دریافت که چرا علیرغم تاکیدات مکرر مقامات دولتی و قضایی لاکن تاکنون در این حوزه اقدام بایسته‌ای صورت نپذیرفته است. لذا بر اساس سنت برساختگرایی، می‌توان این گونه جرایم را یک کنش اجتماعی هدفدار و فرایند محور شمرده که در نتیجه تعارض میان منافع کنشگران دارای قدرت و کنشگران فاقد قدرت و حتی میان خود کنشگران قدرتمند، برساخته شده؛ بنابراین، شناسایی و تعریف مشکلات این اراضی نیازمند باز تعریف مداخله کیفری، تعیین قلمروی مصادیق اعمال مجرمانه، توسعه الگوهای رفتاری ترمیمی متناسب با تعاریف و بطور کلی، برساخت تصورات کیفری جامعه و در واقع محصول فعالیت کنشگرانی است که از قدرت بیشتری برای تثبیت معنا و هژمونیک ساختن گفتمان مورد نظر برخوردارند ناشی می‌گردد. بدین ترتیب، امکان ارزیابی برساختگرایی جرایم علیه اراضی ملی و دولتی از سویی و مبنای دولتی فرض کردن این اراضی که همانا قانون ملی شدن جنگلها و مراتع کشور بوده وجود خواهد آمد و این مهم به این نکته اشاره می‌کند که این قوانین، برساخته‌ایست که تنها بر مبنای نظام معنایی و همچنین به منظور حفظ منافع گفتمان حاکم تولید و به رسمیت شناخته شده و سیطره فرایندهای تعریف یک مسئله و واقعیت اجتماعی از سوی گفتمان قدرتمند است که نظریه برساختگرایی را در همین نقطه با نظریات مارکسیستی و تعارض پیوند میزند، نظریاتی که تبدیل شدن ایدئولوژی طبقه حاکم به ایدئولوژی حاکم بر تمام جامعه را مورد سؤال و چالش قرار داده است. در همین جا لازم به یادآوریست هرچند از این حیث که تعریف رفتاری خاص بعنوان جرم همواره اعمال قدرت توسط گروه یا جمعیتی است که ابزار و اختیار استفاده از قانون در راستای حمایت از منافع و تحمیل عقاید و ارزشهای خود به کل جامعه را دارند میان تمام انواع نظریات تعارض اختلاف است لاکن چون در میان جرم‌شناسان انتقادی و رادیکال، ریچارد کوئینی تنها کسی بود که مفهوم عام جرم را با اتخاذ رویکردی برساختگراییانه بررسی نمود از اینرو، چارچوب نظری این نوشتار که مبتنی بر نظریه برساخت گرایی است، بطور مشخص نظریه ((واقعیت اجتماعی جرم)) آقای کوئینی است. در نگاهی دقیقتر به مفهوم

^{۲۲} . نظریه واقعیت اجتماعی جرم معادل Social Reality of Crime، مبتنی بر گزاره‌های ششگانه ای بدین شرح است: گزاره نخست. تعریف جرم (Definition of Crime)، گزاره دوم. فرمولبندی تعریف رفتارهای مجرمانه (Formulation of Crime Definition)، گزاره سوم. اعمال قانون کیفری (Application of Criminal Definition)، گزاره چهارم. توسعه الگوهای رفتاری متناسب با رفتارهای مجرمانه (Development of behavior patterns in relation to criminal definition)، گزاره پنجم. برساخت

اراضی اولین مسئله که ذهن انسان را متوجه خویش می نماید آن است که در جامعه ایرانی از دیر باز و در دوره قبل از اسلام اراضی و مالکیت آن از منظر عموم افراد جامعه دارای ارزش و احترام فوق العاده ای بوده است و در دوره بعد از اسلام نیز بر اساس تعالیم عالیه اسلامی اراضی به دو دسته کلی اراضی شخصی و اراضی عمومی تقسیم می گردیده و در ذهن و پیشگاه عموم افراد از احترام فوق العاده ای برخوردار بوده است. از اراضی عمومی در فقه اسلامی به عنوان انفال یاد می شود. حال اولین سوالی که به ذهن انسان متبادر می گردد آن است که پس چرا با وجود این پیشینه قوی و موفق در حوزه اراضی که هم از لحاظ اجتماعی و هم اقتصاد در بتن جامعه ایران پیررفته شده و موفق بود به ناگاه در آخرین ماههای سال و در بیست و هفتم دیماه ۱۳۴۱ دولت وقت تصمیم به برهم زدن این نظم اجتماعی گرفته و در بحران تعطیلی مجلس شورای ملی و بدون طی مراحل قانونی اقدام به تصویب طرحی تحت عنوان قانون ملی شدن جنگلها و مراتع کشور نموده است. در ماده یک این قانون بیان می دارد: "از تاریخ تصویب این تصویبنامه قانونی عرصه و اعیانی کلیه جنگلها و مراتع کشور جزو اموال عمومی محسوب و متعلق به دولت است ولو اینکه قبل از این تاریخ افراد انرا متصرف شده یا سند اخذ نموده باشند. همچنین در ادامه در بیست و پنجم مرداد ماه ۱۳۴۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور تصویب شده که در ماده یک آن به تعریف جنگل و بوته های طبیعی و غیره می پردازد.

۲-۲- تحلیل گفتمان حاکم بر تصویب قوانین

با گذشت زمان و نگاهی به سیر قانونگذاری و تحلیل گفتمان حاکم بر زمان تصویب قوانین مورد بحث، تعریف موجود از اراضی ملی و قلمروی مصدافی آن، چنان برای قانونگذار و سایر کنشگران مؤثر، شکل عینی و ازلی بخود گرفته و فراموش شده است که اینگونه پدیده ها میتواند حسب شرایط خاص، به شکل دیگری نیز باشد و این همان چیزی است که حلقه ارتباطی میان گفتمان برساختگرایی اجتماعی و حمایت تقنینی از حقوق اراضی نشان میدهد. از سوی دیگر همانگونه که در کتاب تاریخ شفاهی ایران آقای امیر اصلان افشار بیان نموده است: "برنامه اصلاحات ارضی به وسیله امریکا در زمان کندی به ایران ارائه و آنها به اجرای آن علاقه مند بودند. در واقع آقای جانسون که معاون آقای کندی بود به ایران آمده بود و آقای ارسنجانی که وزیر کشاورزی بود او را به بدترین جاها و کثیف ترین دهات برده بود که بیند مردم در چه وضعی زندگی می کنند و باید آن املاک بزرگ تقسیم شود و به همین دهاتی ها هم داده شود و علت این وضع خراب را مالکین می دانست که نمی توانستند آن را اداره کنند و بعد از اجرای تصمیمات ارضی که در یک سفر شاه به آذربایجان رفته بود عده ای را برنامه ریزی کرده بودند که آنجا حاضر شوند و بگویند در اثر این تقسیمات چقدر اوضاع خوب شده است اما در یک روستای نزدیک بستان آباد که بدون برنامه توقف کرد عده ای آمدند و گفتند که اوضاع خیلی بد است نه آب است و نه گندم کاری و نه امنیت داریم وضع ما خراب است و علت را این بیان کردند که چون مالک ندارند وضع این گونه است." (امیر اصلان، افشار، ۱۹۸۸ ص ۸) و یا در جایی دیگر این مسئله به روشنی قابل دریافت است که از اساس تعریف اراضی به عنوان ملی همانطور که آقای احمد بنی احمدی در کتاب تاریخ شفاهی ایران بیان می کند (بنی احمد، احمد، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴، ص ۴۶) "شاه برای مدرنیزه کردن ایران ایده آل هایی داشت اما ظرفیت جامعه در این محاسبه لحاظ نشده بود مثلاً کشاورزی ایران ۸۰ درصد در خور مکانیزه کردن نبود یک تکه زمین های

تصورات و ادراکات کیفی (Construction of criminal Crime is a constructive pricess گزاره ششم. واقعیت اجتماعی جرم، conception) (Quinney, 2008, pp. 15-24)

کوچک درس هر تپه ماهور که اینها نه آبیاری مکانیزه می‌شد و اصلاً کشاورزی مکانیزه در آن جاها بازده داشت. برای اینکه کشاورز ایرانی به طور سنتی از سالیان قدیم این را شخم می‌زدند. شخم به اصطلاح سنتی برای اینکه یک خراش سطحی روی خاک می‌دادند و بارانی که می‌آمد خوب این کشت دیم برای حبوبات ایران و مخصوصاً گندم ایران در منطقه‌ای که مثلاً بام آذربایجان، هشتروند به عنوان اوکراین ایران شناخته شده بود. در اکراین ایران آبیاری مفهومی نداشت اصلاً سیستم آبیاری مبتنی بر آبیاری دستی شناسایی نشده بود تمام طبیعی بود و دیم بود محصول، آن وقت مدرنیزه کردن کشاورزی و شخم کردن با تراکتور به کلی این کشاورزی را از بین برد برای اینکه در عمق خاک با آب باران این دانه بیرون نمی‌آید. آنجا می‌ماند و اکثر دهاتی‌ها هم روی این گرایش خودشان که می‌خواستند مالک شوند برای یک قطعه زمین خیلی کوچک صاحب تراکتور و کمباین و.. نمی‌دانم این چیزها روی علاقه مالکیت شدند در حالی که برای ۱۰-۲۰-۳۰ هکتار مالکیت داشتن تراکتور اصلاً اقتصادی نبود این موجب نابودی روستاها و اقتصاد روستایی و کشاورزی شد. " این اظهار نظر به تصریح نشان می‌دهد که این اقدامات نه به منظور رفع نیازهای جامعه ایران که البته در شعارهای آن زمان مطرح می‌نمودند که اجرای این طرح‌ها برای افزایش توانایی کشاورزان و دامداران ایران اجرا می‌شود بوده است. لکن این مهم مغفول مانده است که در فقه اسلامی از هزار سال قبل اراضی دارای تعاریف مشخص بوده و محدوده مالکیت اشخاص تعیین شده و دیگر اراضی نیز تحت عنوان انفال عمومی در اختیار حکومت اسلامی باقی مانده است و از سوی دیگر با نگاهی به سیر تاریخ هیچگاه مباحثی از قبیل تخریب یا تصرف اراضی و انفال عمومی مشاهده نمی‌شود و حتی در فقه جزایی نیز در قبال اینگونه افعال تبعات کیفری تبیین نگردیده و این بیانگر ارزش و احترام اراضی دولت و حکومت اسلامی از دید عموم مردم بوده است لکن چه می‌شود که پس از دهه ۴۰ شمسی و در طول نیم قرن اخیر دیدگاه افراد جامعه نسبت به اراضی به سمتی رفته است که همکون مباحثی از قبیل کوه خواری و دریا خواری به گوش می‌رسد؟

ایا این نشان از عدم موفقیت قوانین حقوقی و کیفری مصوب در حوزه اراضی نیست و ایا این به آن جهت نیست که قوانین تعریف کننده این اراضی همگی عاریتی بوده و هیچ تطابقی با متن و بستر جامعه ایرانی و سنن اسلامی حاکم بر آن نداشته است؟

سوال دیگر آن است که در صورت مثبت بودن پاسخ این سوالات چرا پس از گذشت حدود نیم قرن از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی تا کنون دولتهای حاکم هیچگونه اقدامی در مسیر اصلاح وضع موجود انجام نداده اند و موضوع اراضی به حدی شکننده و آسیب پذیر شده است که مقام معظم رهبری در ۱۷ اسفند ۱۳۹۳ در دیدار با مسئولین و فعالان محیط زیست و منابع طبیعی به تصریح به لزوم برخورد با پدیده مضموم زمین خواری و همچنین تصویب قوانین متناسب با وضعیت فعلی توصیه نمودند لکن متأسفانه مشاهده می‌شود که تا کنون این مهم همچنان مغفول مانده است.

امید می‌رود با نقد تعریف ارائه شده از اراضی دولتی و قلمرو مصداقی پدیده موصوف، جرایم این حوزه آنچنان که در قانون مجازات اسلامی بیان گردیده و پیشنهاد تجدیدنظر و بساختزدایی از این تعریف و با گسترده تر کردن قلمروی کنونی چتر حمایتی از اراضی با تبیین یک تعریف جامع و مانع از مفهوم جرایم علیه اراضی ملی و دولتی یا به اختصار زمین خواری، رویکرد حمایتی بیشتری نسبت به حقوق اراضی اتخاذ گردد.

نتیجه گیری

از منظر جرم‌شناسی انتقادی و جامعه‌شناسی حقوق کیفری، جرایم علیه اراضی دولت ساخته نهادهای عدالت کیفری است. این جمله بدین معناست که جرم، نقض آزادی و حقوق انسان است که از نظر سیاسی، توسط صاحبان قدرت و نفوذ تعریف و یا بر ساخته شده، بر ساخته ای که از وابستگی محدوده و قلمرو و نحوه تصرف و تملک اراضی ملی به نفع کنشگران حاکم بر این فرایند حکایت می‌کند. شاید به همین علت است که منتقدین برساختگرایی، جدی‌ترین خطر واقعیت بر ساخته را برای حقوق و آزادی افراد و نیز انتظام خودجوش جامعه می‌داند و بر این باور است که آزادی بعنوان مهمترین دست‌آورد بشر در معرض خطرات جدی قرار گرفته، زیرا آنچه در فرایند بر ساخت واقعیت اجتماعی رخ می‌دهد آن است که حقوق و آزادیهای انسان بر اساس نظمی سازماندهی شده و هدفمند به کلیه آحاد جامعه تحمیل شده و هر کس که قدرت بیشتری دارد، میتواند آزادی و حقوق مزبور را مطابق با اهداف و دیدگاههای خود بر سازد (فرجیها، محمد، محمدجعفر حبیب زاده، سپیده میرمجیدی، ۱۳۹۶، صص ۱۳۵-۱۵۵) اما بطور مشخص آنچه به شکلی بهتر میتواند حقیقت بر ساخت شیوه حل تعارض را در فرایند تصویب جرایم علیه اراضی ملی و دولتی و همچنین قانون ملی شدن جنگلها و مراتع به عنوان مبنای مالکیت دولت و دیگر قوانین جزایی مرتبط از طرفی و از سوی دیگر عدم تصویب یک قانون جامع و کامل برای مباره با پدیده زمین خواری و کوه خواری و دریا و ساحل خواری را تحلیل و توجیه نماید، این جمله معروف برساختگرایی است که: «قانون همراه با تغییراتی در منافع کنشگران فرایند جرم‌انگاری تغییر میکند». این بدان معناست که تغییر گفتمان دولت حاکم به هنگام تصویب قانون، موجب شده تا کنشگران دیگر همراه با منافع و دغدغه‌ها و مطالبات متفاوت بر اندیشه کنشگران قبل از فرایند جرم‌انگاری حاکم شوند. لذا این تحول گفتمان در کنشگران تقنینی و دولتی موجب شده تا قوانین مزبور مطابق گفتمان جدید تغییر یابد و به نحوی تفسیر شود که بتواند مفاهیم مورد قبول گفتمان جدید حاکم را تامین کند و تعارضات موجود را مطابق با عناصر گفتمان جدید حل و فصل نماید. جایگزین شدن گفتمان اصلاحات ارضی بجای گفتمان مالکین عمده و خوانین در زمان تصویب قانون ملی شدن جنگلها و تبع تغییر در محتوای آن و یا تصویب قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی یا به اختصار ایجاد کمیسیون ماده واحده در منابع طبیعی و همچنین حذف مهلت اعتراض به تشخیص اراضی که بعد انقلاب اسلامی و بر مبنای استدلالات فقهی صورت پذیرفت مصادیقی از تغییر قانون همراه با تغییر کنشگران و منافع آنان در فرایند جرم‌انگاری و برداشت از منفعت عمومی به مثابه مصلحت حکومت است. مصلحتی که تحت تأثیر ملاحظات سیاسی، به قضاوت‌های ارزشی نسبت به واقعیت اجتماع و نفع عام منجر شد. همچنین تلاش گفتمانها را برای بر ساخت واقعیت اجتماعی پیرامون مفاهیم گفتمانی خویش ارائه نموده و تعارض میان قولها و یا درون قولها را در بین این کنشگران و در طی مراحل مختلف جرم‌انگاری ارائه نموده و حکایت از قدرت کنشگر و یا گفتمان برتر در تعیین این امر دارد که قرار است تعارضهای شکل گرفته چگونه و با نمایندگی مطالبات کدام طرف حل و فصل گردد. لذا نحوه حل تعارض در فرایند تصویب قانون موصوف نیز بشدت قدرت محور و یادآور مدل رقابتی حل تعارض می‌باشد. (همان، ص ۱۵۶)

منابع:

- ۱- باختر، احمد، دادگاه ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی، نشر نوای عدالت، ۱۳۹۲
- ۲- بشیری، عباس و دیگران، حقوق کاربردی اراضی، نشر جنگل، ۱۳۹۳
- ۳- برگر، پتر، لوکمان، توماس، ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴
- ۴- پوپر، کارل ریموند، حدسها و ابطالها، رشد شناخت علمی، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۸
- ۵- پوپر، کارل ریموند، جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰
- ۶- پوپر، کارل ریموند، اسطوره چارچوب، در دفاع از علم و عقلانیت، ترجمه علی پایا، چاپ سوم، تهران، نشر طرح نو، ۱۳۸۹
- ۷- توسلی، حمیده، تضمین پایداری محیط زیست، ویژه نامه همایش سازمانهای غیردولتی و اهداف توسعه هزاره، تهران، ۱۳۷۴
- ۸- توسلی، غلامعباس - ودادهیر، ابوعلی، پارادایم های علم فناوری، پزشکی و جامعه: تحلیلی جامعه شناختی از فرایند پزشکی شدن جامعه پایان نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
- ۹- جوانشیر، کریم، تاریخ علوم منابع طبیعی ایران، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۱
- ۱۰- چاپرک، علی، ساختگرایی اجتماعی، فصلنامه روش شناسی در علوم انسانی، ۵۷، ۱۳۸۷، 125-146
- ۱۱- دادبان، حسن، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، نشر دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳
- ۱۲- رضایانه، محسن، نقد و بررسی جرایم ثبتی، نشر جنگل، ۱۳۹۲
- ۱۳- سازمان جنگلها و مراتع کشور، مجموعه قوانین منابع طبیعی کشور، نقش سبحان، ۱۳۷۰
- ۱۴- شهری، غلامرضا، حقوق ثبت اسناد و املاک، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۳
- ۱۵- صالحی شانجانی، پروین، رویکرد حفاظتی به منابع ژنتیکی جنگل های شمال، مجله جنگل و مرتع، ۱۳۷۳، ۱۹-۱۳
- ۱۶- فرقانی، محمدمهدی، تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، از مشروطه تا خاتمی، فصلنامه رسانه، ۵۴، ۱۳۸۲، ۱۸-۳۵
- ۱۷- فون هایک، فریدریش، قانون، قانونگذاری و آزادی، گزارش جدیدی از اصول آزادیخواهانه عدالت و اقتصاد سیاسی (قواعد و نظام)، ترجمه مهشید معیری، موسی غنی نژاد، چاپ نخست، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰
- ۱۸- قاسمی، حسن؛ و دیگران، پیشگیری از جرم در ایران: مطالعه موردی تصاحب غیرقانونی و تصرف عدوانی زمین های ملی و جرم های ثبتی، معاونت حقوقی و توسعه قوه قضاییه، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۸۸

- ۱۹- کسرابی، محمد سالار، پوزش شیرازی، علی، نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصلنامه سیاست، ۳، ۱۳۸۸، ۳۳۹-۳۶۰
- ۲۰- کوثری، مسعود - حاج محمدرضای نفرشی، امیر علی، تحلیل گفتمان شبکه کودک Junior Gem در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه و تطبیق آن با کلان گفتمان های رسمی قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران، (۱۳۹۴)
- ۲۱- مبارکیان، عباس، مجموعه قوانین و مقررات اراضی، انتشارات مجد، (۱۳۷۱)، ۸۸
- ۲۲- مدنی، سید جلال الدین، کلیات حقوق اساسی، انتشارات پایدار، (۱۳۷۱)، ۲۸
- ۲۳- مشهدی، علی و مسعود فیروزی، نگاهی به نظام حقوقی مالکیت زمین و ارتباط آن با پدیده زمین خواری، مجله اطلاع رسانی حقوقی، ۱۵ و ۱۶ (۱۳۸۷)، ۲۵
- ۲۴- معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت کشاورزی، مجموعه قوانین و مقررات کشاورزی، (۱۳۷۱)
- ۲۵- میرسنجری، میر مهرداد، اجلاس زمین و رهیافت توسعه، مجله جنگل و مرتع، ۱، (۱۳۴۱)
- ۲۶- مقدمی، محمد تقی، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن، معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲، (۱۳۹۰) ۹۱-۱۲۴
- ۲۷- موسوی مقدم، محمد، تغییر کاربری، نشر حقوق امروز، (۱۳۹۲)
- ۲۸- نصیری، مراد، «جرم زمین خواری از طریق تصرف و تغییر غیرقانونی کاربری اراضی»، مجله تعالی حقوق، (۱۳۹۱) ۱۷ و ۱۶
- ۲۹- میرمجیدی، سیده، حبیب زاده، محمد جعفر، فرجیها، محمد، ارزیابی بر ساخت گرایانه فرایند تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات با استفاده از نظریه گفتمان، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۱، (۱۳۹۶)، ۱۳۵-۱۵۵
- ۳۰- میرمجیدی، سیده، حبیب زاده، محمد جعفر، فرجیها، محمد، امید، جلیل، مقاله: تحلیل بر ساخت گرایانه ی فرایند جرم انگاری در ایران بر اساس نظریه واقعیت اجتماعی جرم نشریه پژوهش حقوق کیفری، ۱۴، (۱۳۹۵)، ۲۳
- ۳۱- نمک دوست تهرانی، حسن، بیتا، آزادی اطلاعات و حق دسترسی؛ بنیان دمکراسی، طرح پژوهشی دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهشهای مجلس، (۱۳۹۲)
- ۳۲- یورگنسن، ماریان، فیلیس، لوئیز، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، ۵، (۱۳۹۴)

(ب) انگلیسی:

34. Best, Joel, [2004], Theoretical Issue in the study of social problem and Deviance ,In: Ritzer , George. ed, handbook of social problems :A Comparative international perspective. Thousand oaks, CAL sage.

35. Conrad, Peter, Joseph, Schneider, [1992], *Deviance and Medicalization: from badness to sickness*. Philadelphia: Temple university press.

36. Escobar , Arturo, [1995], *Encountering Development: The Making and Unmaking of the Third World*, Princeton: Princeton University Press.

Review:

Drawing the concept of "crime" is the starting point of the path of criminal thought. In fact, the image of crime presents other fundamental concepts of criminology (such as criminality and etiology) and the system of criminal policy (such as justice, criminology, and prevention). According to the theory of social constructivism, crime can be considered a social phenomenon that is not outside the human mind and has an independent objective existence, so what is considered a crime will vary depending on who describes it. Was; Therefore, in interpersonal relationships, we are faced with constructing a social reality of crime.

This article takes a mediocre view of social constructivism from the concept of crime and uses the theory of "social reality of crime", which believes that the application of criminal law and the definition of criminal behavior and the development of appropriate behavioral patterns and the construction of criminal perception, product It is the action of shareholders who try to secure their personal and group interests by influencing the criminalization process. The reality of the criminalization process in the field of state lands in Iran has been discussed and analyzed. The study of the formal discourse of criminal policy actors using descriptive-analytical research method and detailed discussions of the National Assembly and the Islamic Consultative Assembly has shown that at least in the field of land crime in the Iranian criminal justice system, constructivist theory on the criminal process and the mentality of its actors It clearly rules.

Keywords: constructivism, social reality of crime, definition of criminal behaviors, actors in the criminalization process

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی